

## سخن مدیر مسئول

### بسم الله الرحمن الرحيم

۱. قانون تعادل میان عرضه و تقاضا، در بازار تولید و مصرف فرآورده‌های مادی، کاربرد گسترش دارد. براساس آن، اگر تقاضا بر عرضه فزونی گیرد، تشنگی نسبت به آن کالا پدید می‌آید. و اگر عرضه بیش از تقاضا باشد، اشباع بازار- و در نتیجه کاهش بهای آن کالا تا رسیدن به حد تعادل - بیش می‌آید.

فرآورده‌های فرهنگی، از برخی جهات به کالاهای مادی شباهت دارند. از جمله در قانون یاد شده. براساس آن، اگر تقاضای یک فرآورده فرهنگی بیشتر از عرضه آن باشد، عطش نسبت به آن پدید می‌آید که رواج فرآورده‌های شبه فرهنگی سطحی، نازل و مبتذل، پی‌آمد آن است.

از سوی دیگر، اگر عرضه یک فرآورده فرهنگی بیش از تقاضای آن باشد، نسبت به آن اشباع کاذب پدید می‌آید و حاصل زحمات فکری و اجرایی فراوان، بی‌ثمر یا کم‌ثمر می‌ماند.

۲. در زمانی که عرضه بر تقاضا فزونی گیرد، در بازار کالای مادی راهکارهایی در پیش می‌گیرند، از جمله:

الف - گاهی نیاز کاذب در افراد پدید می‌آورند. رواج گسترش برنامه‌های تبلیغات بازارگانی در سطح جهان و در پی آن، گسترش شتابنده موج مصرف‌گرایی نتیجه آن است.

ب - و گاه، افراد را به نیاز واقعی خود نسبت به آن کالا واقف می‌کنند.

فرهنگ‌سازی نسبت به کالاها و برنامه‌های مربوط به حفظ محیط زیست، نمونه این اقدام است.

۳. به نظر می‌رسد در بازار فرآورده‌های فکری - فرهنگی مربوط به قرآن، در جامعه ما، همین آفت (افزایش عرضه بر تقاضا) رخ نموده است، که در پی آن، اشیاع کاذب نسبت به این مطالب پدید آمده است. نتیجه این عرضه بی‌تقاضا - یا دست کم، عرضه افزون بر تقاضا - آن است که دست کم بخشی از فضای فرهنگی به انباری از منابع بی‌صرف تبدیل شده که کمتر تمایل به استفاده از آن وجود دارد. در نتیجه، ما با یک بایگانی را که روبرو شده‌ایم که نهایت کاربرد آن، نمایش آماری و صرف بودجه‌ها و نیروها است.

به این واقعیت، این نکته را بیفزاییم که در فضای رقابت فرهنگی، با فرآورده‌های فرهنگی مربوط به موضوع‌های دیگر مواجه می‌شویم که تقاضای روزافزون آن را به چشم می‌بینیم و اگر منصف باشیم، به آن اذعان می‌کنیم.

۴. کارنامه‌ما، در زمینه تولید فرآورده‌های فرهنگی مربوط به قرآن، از جهت کمی پربار است. کافی است نظری بیفکنیم بر: ده‌ها عنوان مجله و نشریه تخصصی و عمومی، صد‌ها عنوان مقاله و کتاب در سطوح مختلف، صد‌ها ساعت برنامه رادیویی و تلویزیونی قرآنی، پایگاه‌های اینترنتی، برنامه‌های حفظ و ترتیل و تجوید، چاپ و نشر قرآن با ترجمه و بدون آن به شکل‌های منتخب و کامل، نشر تفاسیر در شمارگان گسترده، برنامه‌های آموزشی رسمی از پیش‌دبستانی تا دانشگاهی، برنامه‌های آموزشی غیررسمی و مراکز غیردولتی و... اما در این میان، جای یک نقشه جامع راهبردی خالی است یا دست کم، ما از آن بی‌خبریم. یکی از دلایل آن، این است که هر فرد حقیقی و حقوقی به تولید فرآورده‌های قرآنی (آموزش و نشر و تبلیغ) اندیشیده، در حد صلاح‌حد خود که حدّاً کثر با کارشناسی محدود همراه بوده است.

عرضه افزون بر تقاضا، سبب شده تا همزمان با این گسترش کلی برنامه‌های

قرآنی، شاهد گسترش نا亨جاري های اجتماعی و فرهنگی در سطوح مختلف باشيم.

چرا؟ نه مگر سخن از همان قرآن است که امام اميرالمؤمنين علیه السلام در وصف آن می فرماید: چراغ های آن خاموش نمی شود، دریایی که به ژرفای آن نمی توان رسید، راهی آشکار که گم نمی شود، شعاع نوری که تاریک نگردد، بیانگری که ارکانش ویران نگردد، درمانی که پس از آن ترس از بیماری نیست، معدن و گنج ایمان است، چشممه های علم و دریای آن است و ...<sup>۱</sup>

پس چرا در جوار آن، چنان پدیده های نامطلوبی می بینیم؟ بار دیگر به مطالب بنده های ۱ تا ۳ بنگریم و میان دو راه (نیاز کاذب و فرهنگ سازی)، راه دوم را برگرینیم. این کار، خود به برنامه هایی کارشناسانه و درازمدت نیاز دارد.

۵. پیش نیاز هر برنامه ای از این دست، آسیب شناسی عواملِ مولده چگونگی یاد شده است. البته شمارش این عوامل، در مجال کوتاه این گفتار نمی گنجد. ولی پیشنهاد می شود که هر سازمان و مرکز قرآنی، از چند دیدگاه در برنامه خود بازنگری کند:

یکم - پرداختن افراطی به حواشی (مانند کارهای هنری سمعی و بصری در مورد قرآن یا افراط در پژوهش های علوم قرآنی) و غفلت از متن قرآن یا کم توجهی به آن (معارف و درون مایه کتاب خدا). این گونه افراط و تفریط ها، نوعی چهره نگاری قرآن به سبک کاریکاتور است که به هر دلیل - سهو یا عمد - روی می دهد.

دوم - بی خبری از دو مطلب: الف. مبانی اصل هدایت قرآنی، ب. ویژگی های فرهنگی «دیگران». پی آمد این بی خبری، افتادن در دام چاله های تشکیک است که آن «دیگران» (به ویژه خاور شناسان) می خواهند که ما را در آن بیندازند. تفصیل این اجمال، مجالی دیگر می طلبد.

۱. بنگرید: مقاله «قرآن از زبان امام اميرالمؤمنین علیه السلام» در سفینه شماره ۱۷.

سوم - عدم توجه به آیاتی همچون «اتَّمُرُونَ بِالْبَرِّ وَ تَنْسُونَ افْسَكَمْ وَ انْتَمْ تَتَلُونَ الْكِتَابَ» (بقره ۴۴ / ۲) و «كَبَرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ إِنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف ۶۱ / ۳). نتیجه این مطلب، اکتفا و دلخوشی به آموخته‌ها و دانستنی‌های پراکنده است و غفلت از این نکته که در وصف رسول خدا علیه السلام آمده است: «كَانَ خَلْقَهُ الْقُرْآنَ» (شرح نهج البلاغه)، ابن ابیالحدید، ج ۶، ص ۳۴۰.

بدیهی است که سلوکِ مسلکِ پیامبر و قرآن، اصالت دادن به عمل است تا داعیانِ دین، مردم را به آن، فقط به زبان عمل فراخوانند. پی‌آمدہای گریز از این سلوک، نیاز به توضیح ندارد.

چهارم - کمیت‌زدگی و عدم توجه به کیفیت و آثار برنامه‌های قرآنی، آفت دیگری است بر این شجره طیبه. با این که در کتاب خدا خوانده‌ایم که در وصف حالت مسلمانان در غزوه احمد فرمود: «فَلِمْ تَغْنُ عَنْكُمْ كَثُرْتُكُمْ شَيْئًا» (توبه ۹ / ۲۵)، ولی ما، چه درصدی از هم و غم خود را در جهت کمیت به کار می‌گیریم و چه بخشی از آن را برای کیفیت و اثرسننجی؟

پنجم - بی‌خبری - یا کم‌خبری - از دنیای جدید و ملزمات و پیامدهای فرهنگی تحولات پرستاب فن‌آوری. برای ما که از امام صادق علیه السلام خوانده‌ایم: «الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْلَّوَابِسُ»؛ (کافی، ج ۱، ص ۲۶) انتظار می‌رود که به لایه پنهان تطورهای علمی جهانی توجه کنیم و آثار فرهنگی مثبت و منفی آنها را در نظر آوریم، و به این نکته توجه کنیم که در کشورهای توسعه یافته - که مهد این تحولات است - درباره این آثار و پی‌آمدہا، پژوهش‌های زیاد و عمیقی به سامان آمده که فقط بخشی از آنها ترجمه شده است. آشنایی با آن مباحث برای متولیان امور دینی ضرورت دارد تا در برنامه‌ریزی‌های خود بدان عنایت کنند.

ششم - میزان توجه به گروه‌های مختلف مخاطبان و نشناختن ویژگی‌های آنها به شیوه علمی، تعیین‌کننده است. نتیجه این امر، نوشتن کتاب برای پژوهشگران است به زبان عموم مردم، و نشر آثار برای کودکان است به زبان کهنسالان. آیا مخاطبان

فرضی به آن آثار چه اندازه علاقه نشان می دهند؟ آیا درست است که در تحلیل پدیده کم توجهی به آنها، سخن از بی توفیقی آنان به میان آوریم یا دست کم، از کاهش میزان مطالعه سخن گوییم؟



واقع این است که مطالعات علمی امروز، نه تنها ویژگی های فرهنگی - روان شناختی گروه های مختلف مخاطبان، بلکه حتی واژگان مناسب آنان را نیز معین کرده است. و یکی از رموز مقبولیت آثار «دیگران»، توجه به همین نکته است. هفتم - نسبت به اصل قرآنی «تعاونوا على البر والتقوى» چه اندازه توجه داریم؟ باید پذیرفت که وقتی این توجه کم رنگ شود، تک روی و موازی کاری به اوج خود می رسد و هر کسی به خودش یا سازمان و مؤسسه اش می اندیشد، نه به نتیجه کار جمعی که به دست مردم می رسد. در نتیجه، مردم در نگاهی به خروجی مراکز قرآنی، مجموعه ای می بینند که از سازگاری و یکدستی مناسب برخوردار نیست. در حالی که امروز، به کمک ابزارهای ارتباطی، حتی با مراکز کشورهای دور، به راحتی می توان ارتباط پیوسته و روزآمد داشت.

هشتم - رقابت ها و امتیازهای مادی که در این گونه برنامه های معنوی مطرح می شود، باید وسیله بمانند نه هدف. اگر این مقدمه به «ذی المقدمة» تبدیل شود، «درمان» خود، دردی دیگر می شود. آنگاه است که:

از قضا سرکنگی بن صفراء فزو  
روغن بادام، خشکی می نمود

از یاد نبریم که امتیازهای مادی در نخستین روز، فقط جنبه تشویقی داشت برای گسترش فضای معنوی، و نه بیشتر.

در یک نگاه، تمام این عوامل را می توان در یک جمله خلاصه کرد: غفلت از همراهی عترت با قرآن، که الگوهای عملی صحیح و معصوم را از کتاب خدا، جدا می سازد.

۶. رسول خدا ﷺ در کلامی جاودانه، از امّت شکوه می کند که چرا از قرآن روی گردانده اند: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ أَنَّ قَوْمًا اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان (۲۵) /



۳۰. این‌گونه گرد مهجویریت بر چنین نامه نامور الهی نشاندن، در حالی است که امروزه، دنیای خسته از سلطه دانش بدون منش و علم بی‌اخلاق، به دین روی آورده است و درمان دردهایش را در دین می‌جوید. کارنامه ما، در عرضه دین صحیح - به ویژه در مقام عمل - و معرفی آن به جهان به شیوه روزآمد، چگونه است؟ چگونه می‌خواهیم نعمتِ اسلام و ایمان و هدایت به کتاب الله را شکرگزاریم و از کیفرِ  
کفران آن در امان بمانیم؟

امامان معصوم علیهم السلام به ما آموخته‌اند که کارهای خود در بارگاه الهی را همواره کوچک و مختصر بدانیم، گرچه در نظر خودمان بلند و مهم جلوه کند.

امام کاظم علیه السلام به راوی تعلیم می‌کند که این دعا را زیاد بخواند: «اللهم لاتجعلنی من المارين ولا تخرجنی من التنصیر» (کافی، ج ۲، ص ۷۳)

به راستی، کیست که بتواند حقّ این همه نعمتِ خداوندی را - که همچون باران ریزان، پیوسته و بی‌گستالت، بر سر ما می‌بارد - ادا کند؟

بنده همان بـ که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

ور نه سزاوار خداوندی اش کس نتواند که به جای آورد

۷. در این میان، بزرگترین نعمت، نعمتِ وجود بزرگترین مخلوق و والاترین بنده، امام عصر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است که امروز تالی قرآن است و فردا احیاگر آن. در آستان بلند او، هر همتی کوتاه است و در پیشگاه احسان دریابارش، هر شکری قاصر.

این همه، در جایی است که کاری انجام دهیم، و درست به سامان آوریم، و به کیفیت بیندیشیم. اگر آن هم نباشد، روسیاهی مضاعف می‌شود. و مباد که در برابر آن امام همام، گرفتار چنین شرمداری شویم.

دستِ خدایی آن حجّت حقّ، از سرِ ما بر کنار مباد. و سایه همایون آن همای رحمت، همچنان بر فرد فرد و جامعه ما مستدام باد. آمين.